

فرااتهران

رویداد گرافیکی «فتح المبین» با محوریت فلسطین در کرمان

عملیات فتح المبین در کرمان جریان دارد



به زبان هنر فکری کنیم. بواقع کدام زبان دنیا می تواند فقط بایک تصویر، حقیقتی را خلاصه کند که صدها کتاب تاریخ و فلسفی از بیان آن عاجز هستند.

روز دوم: جبهه ما قوی و پیروز است

هیچ کس را بیکار نمی بینم. بعضی ها با کاغذ کار می کنند. بعضی ها دور راهبران رویداد جمع شده اند و گفت و گوی می کنند و بعضی ها هم با لب تاپ روی طرح های خود کار می کنند. خانمی را می بینم اهل هرمزگان که تصویر نوزادی را دارد کار می کند که از گوشه قنداقه او رود خونی سرچشمه گرفته است و ستاره داوود و تمام نمادهای رژیم کودک کش اسرائیل را با خود غرق می کند.

هنرمند دیگری را می بینم که اهل کرمان است و پوستری را کار می کند که در آن ستاره داوود در حال سقوط است و در آخرین لحظه سقوط هم حتی از سرشت کشتن و نابودی خود دست بر نمی دارد و یک گل کوچک راله می کند.

یک لحظه چهره تمام کودکانی که عکس هایشان بعد از شهادت در فضای مجازی پررنگ شده بود از جلوی چشمانم گذشت...

حرف از وعده صادق که می شود پیش خود می گویم: «پس شک نکن روزی شاید آقای امین زاده تقی مسئول واحد هنرهای تجسمی حوزه هنری کرمان بایکی دیگر از هنر-رزمنده های این رویداد را در یکی از محله های بیت المقدس در حال کشیدن تصویر سردار دل هایمان سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی.»

از امین زاده تقی درباره هنرمندانی که در این رویداد حضور دارند می پرسم. او می گوید: «چهل هنرمند از پنج استان گرد هم آمده اند به میزبانی پایتخت مقاومت جهان اسلام شهر کرمان که به صدور وعده نزدیک بودن آزادی قدس کمی کرده باشند.»

از او درباره عاقبت آثار تولیدی این رویداد پرسیدم و گفت: «آثار تولید شده در این رویداد هم در فضای حقیقی مثل بلبوردهای شهری و هم در فضای مجازی منتشر خواهد شد اما سعی کرده ایم آثار تولیدی دارای یک زبان تصویری جهان شمول باشد که همه دنیا با هر زبانی پیام مظلومیت مردم فلسطین را با زبان هنر بشنوند.»

نام «رویداد طراحی پوستر فتح المبین» همه جابه چشم می خورد. سراغ مسئول واحد هنرهای تجسمی حوزه هنری انقلاب اسلامی استان کرمان می روم. او با چفیه ای بردوش که سمت راست آن تصویر قبه الصخره نقش بسته است و سمت دیگر، تصویر چهره دلنشین سردار دل ها، بیشتر شباهت به رزمندگان لشکر ۴۱ ثارالله کرمان در دوران دفاع مقدس می دهد تا یک کارمند و مدیر اداره ای مثل ادارات دیگر. از او درباره نامگذاری این رویداد می پرسم. در حالی که دارد وسایلی را آماده توزیع بین هنر-رزمنده های می کند می گوید: «چند وقت پیش آقای قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی پیامی را منتشر کردند با این مضمون که «وقتی ۷ ماه قبل و در روز قدس هنرمندانی از مصر، لبنان، فلسطین، سوریه، ایران و الجزایر به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی دیوارنگاره و فتح قریب را بر دیوار حائل فلسطین اشغالی ترسیم کردند، به تحقق وعده صادق باور داشتند» ما هم به این وعده صادق باور داریم. نام این رویداد از پیام حجت الاسلام قمی و دیوارنگاره ای که بر دیوار حائل نقش بسته گرفته شده است.»

لبخند می زند و دست رفاقت را پیش می کشند. کم کم سایر هنرمندان یا بهتر است بگویم رزمندگان دفاع از حریم انسانیت پیدا می شود. از هرمزگان، یزد، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کرمان خودمان... می نشینند کنار هم و حرف می زنند. ایده های خود را رد و بدل می کنند و گاه همگی ساکت می شوند و به حرف های راهبران و فرماندهان خود گوش می دهند. عملیاتی در راه است. عملیات بزرگ فتح المبین در راه است.

روز اول: از خبیر تا فتح المبین، از شمشیر تا لب تاپ!

محل برگزاری این رویداد طراحی پوستر ساختمانی است که بیشتر تبدیل شده است به یک حسینیه هنر ویا حتی جبهه ای از جبهه های حق علیه باطل که در طول تاریخ در گوشه و کنار این جهان پهناور برپا بوده است. توی این جبهه اما به جای اسلحه، دست رزمندگان قلم، کاغذ و لب تاپ است. آیا رزمندگان جنگ خیبر فکری کردند هزار و چهارصد سال بعد سربازان اسلام با چنین اسلحه هایی به فتح خیبری دیگر بروند؟

پیش از شروع: جبهه ای دیگر، فرمانده و رزمنده هایی دیگر!

در هفتاد و پنج سال عمر نکبت بار رژیم اشغالگر قدس، همیشه شاهد جنایت های آنان بوده ایم؛ اما شاید چند ماه قبل کسی فکرش را هم نمی کرد، روزی شهر کرمان میزبان گرافیکست هایی باشد که برای نشان دادن مظلومیت مردم فلسطین و حجم گسترده جنایت های رژیم صهیونیستی دور هم جمع بشوند و با هنرشان به جنگ این بد ذات های تاریخ بروند.

شب قبل از رویداد طراحی پوستر، استادان

آقای احسان جعفر پیشه و مهران پندار را در ساختمان حوزه هنری انقلاب اسلامی استان کرمان می بینم. در خبرها و معرفی برنامه از آنها نه به عنوان استاد بلکه «راهبر» این رویداد یاد شده است. با توجه به ذهنیتی که از استادان هنری داشتیم حس می کردم بایستی با آدم هایی با محاسنی سپید و بلند و خلق و خویی خاص رو به رو بشوم اما درست مثل فرمانده گردان های دوران دفاع مقدس جوانند و پرا انرژی و خوش رو. بدون آنکه بدانند که هستی و چه کار می کنی